

برگردانِ پارسی

التحبير

فیه علم التذکیر

(شرح اسماء الله الحسنى)

أستاذ أبو القاسم عبد الكريم بن هوازن
ابن عبد الملك بن طلحة قشيري، نيشابوري
(۳۷۶-۴۶۵ق)



- سوشناسه : قشیری، عبدالکریم بن هوازن، ۳۷۶-۴۶۵ق.
 عنوان قراردادی : التّحییر فی التّذکیر، فارسی
 عنوان و نام پدیدآور : ترجمه التّحییر فی علم التّذکیر (شرح اسماء الله الحسنى) / نگاشته ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری (۴۶۵ هـ) : تصحیح، ترجمه و تعلیقات الهام قاسمی
 مشخصات نشر : تهران : راکا، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۳۶۵ ص.
 شابک : 978-600-92547-2-9
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۲۴ - ۳۳۶ همچنین به صورت زیر نویس.
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : خدا - نامها
 موضوع : خدا - صفات
 موضوع : ذکر
 موضوع : ذکر - جنبه های قرانی
 رده بندی : قاسمی، الهام: مترجم، مصحح
 رده بندی : BP ۱۳۹۲/۲۱۹ ۳۰۴۱ ص ۵
 رده بندی دیوید : ۴۲/۲۹۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۱۲۰۸۶



نشریه

- نام اثر : التّحییر فی علم التّذکیر
 نویسنده : ابوالقاسم قشیری (د. ۴۶۵ق)
 مترجم و محقق : الهام قاسمی
 آماده سازی و تولید : کارگاه گرافیک راکا
 ناشر : راکا
 نوبت چاپ : اول
 شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی : صنوبر

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۴۷-۲-۹ ISBN 978-600-92547-2-9

© All Right Reserved, with the prior written permission of the Publisher حق هر گونه چاپ و انتشار منوط به اجازه کسی ناشر است

مراکز پخش و فروش

انتشارات توس، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دانشگاه، شماره ۱۷۸ ☎ ۶۶۴۶۱۰۰۷
 انتشارات طهوری، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه، شماره ۱۳۳۸ ☎ ۶۶۴۰۶۳۳۰
 شهر کتاب نیاوران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، چهارراه کامرانیه، شماره ۲۳۶ ☎ ۲۲۲۸۵۹۶۹

فهرست مطالب	صفحه
پیشگفتار	۱
مقدمه	۳
دریارة مولف	۳
روزگار تشیری و سدهای که در آن می زیسته	۳
زندگانی اجتماعی	۸
نام	۸
خاندان	۹
نسب	۱۰
کودکی	۱۰
ازدواج	۱۰
فرزندان	۱۱
سفرها و وقایع تاثیر گذار بر زندگی قشیری	۱۶
فتنه اشعری	۱۷
حیات علمی	۲۰
گام های نخست و محیط علم آموزی وی	۲۰
مشایخ قشیری	۲۱
شاگردان	۲۲
آثار	۲۳
دریارة اثر	۲۶
سیر نگارش شروح اسماء الحسنی تا دوره قشیری	۲۶
تحلیل محتوایی	۲۸

۲۹	رواج قرائت و تعلیم و تعلم این کتاب
۳۰	تقویم نسبت کتاب به مولف
۳۰	اجازه قشیری به ابونصر (فرزندش)
۳۰	نقل سایرین از این کتاب
۳۱	روش تحقیق، نسخه‌ها و شیوة تصحیح این اثر
۳۲	درباره موضوع
۳۲	برخی از مسائل مطرح شده پیرامون اسماء الهی نزد مسلمانان
۳۲	اسماء الهی و توقیفیت آن‌ها
۳۴	ارتباط ذات، اسماء و صفات با یگدیگر
۳۵	در گیرودار تشبیه و تمثیل
۳۶	صفات خبریه
	التحیر فی علم التذکیر ترجمه فارسی متن عربی
۲۰۱	فصل قوله تعالى: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ ۴۱
۲۰۲	فصل قوله تعالى: ﴿فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ﴾ ۴۳
۲۰۳	فصل در معنای اسم "الله" ۴۶
۲۰۶	فصلی در معنای "لا اله الا الله" ۵۲
۲۰۸	فصلی در معنای اسم "هو" ۵۴
۲۰۹	فصلی در معنای اسم ملک ۵۶
۲۱۱	فصلی در معنای اسم قدوس ۵۹
۲۱۲	فصلی در معنای اسم سلام ۶۰
۲۱۳	فصلی در معنای نام مومن ۶۲
۲۱۴	فصلی در معنای نام مهیمن ۶۴
۲۱۴	فصلی در معنای عزیز ۶۵

التجیر فی علم التذکیر ترجمه فارسی متن عربی

۲۱۶	۶۸	فصلی در معنای جبار
۲۱۷	۷۰	فصلی در معنای متکبر
۲۱۸	۷۱	فصلی در معنای خالق
۲۱۹	۷۳	فصلی در معنای باری
۲۱۹	۷۴	فصلی در معنای نام مصور
۲۲۱	۷۸	فصلی در معنای نام غفار
۲۲۳	۸۱	فصلی در معنای نام تبارک
۲۲۴	۸۲	فصلی در معنای نام مهیب
۲۲۵	۸۴	فصلی در معنای رزاق
۲۲۶	۸۶	فصلی در معنای نام فتاح
۲۲۸	۸۸	فصلی در معنای نام علیم
۲۲۹	۹۱	فصلی در معنای قابض باسط
۲۳۱	۹۲	فصلی در معنای خافض و رافع
۲۳۲	۹۵	فصلی در معنای اسم معز و مذل
۲۳۴	۹۸	فصلی در معنای سمیع و بصیر
۲۳۵	۱۰۱	فصلی در معنای حکم عدل
۲۳۸	۱۰۴	فصلی در معنای لطیف
۲۴۰	۱۰۷	فصلی در معنای خبیر
۲۴۰	۱۰۹	فصلی در معنای حلیم
۲۴۱	۱۱۱	فصلی در معنای عظیم
۲۴۲	۱۱۳	فصلی در معنای غفور و شکور
۲۴۴	۱۱۵	فصلی در معنای علی الکبیر

متن عربی	ترجمه فارسی	التعبیر فی علم التذکیر
۲۴۵	۱۱۷	فصلی در معنای حفیظ
۲۴۶	۱۱۹	فصلی در معنای مقیت و مقتدر
۲۴۷	۱۲۱	فصلی در معنای حسیب الکافی
۲۴۸	۱۲۳	فصلی در معنای جلیل جمیل
۲۴۸	۱۲۴	فصلی در معنای کریم
۲۵۰	۱۲۶	فصلی در معنای رقیب حفیظ
۲۵۱	۱۲۷	فصلی در معنای مجیب
۲۵۱	۱۲۸	فصلی در معنای راسع
۲۵۲	۱۳۰	فصلی در معنای خدیم
۲۵۳	۱۳۲	فصلی در معنای مجیر
۲۵۴	۱۳۴	فصلی در معنای باعث
۲۵۵	۱۳۵	فصلی در معنای شهید
۲۵۶	۱۳۷	فصلی در معنای حق
۲۵۷	۱۳۸	فصلی در معنای وکیل
۲۵۷	۱۴۰	فصلی در معنای قوی
۲۵۸	۱۴۱	فصلی در معنای متین
۲۵۹	۱۴۳	فصلی در معنای ولی
۲۶۰	۱۴۶	فصلی در معنای حمید
۲۶۱	۱۴۸	فصلی در معنای محصى
۲۶۲	۱۴۹	فصلی در معنای مبدی و معید
۲۶۳	۱۵۱	فصلی در معنای محیی و ممیت
۲۶۴	۱۵۳	فصلی در معنای حی قیوم

متن عربی	ترجمه فارسی	التحیر فی علم التذکیر
۲۶۵	۱۵۵	فصلی در معنای واجد ماجد
۲۶۷	۱۵۷	فصلی در معنای واحد احد
۲۶۸	۱۶۰	فصلی در معنای صمد
۲۷۰	۱۶۲	فصلی در معنای قادر مقتدر
۲۷۱	۱۶۴	فصلی در معنای مقدم و موخر
۲۷۱	۱۶۶	فصلی در معنای اول و آخر و ظاهر و باطن
۲۷۲	۱۶۸	فصلی در معنای بر
۲۷۳	۱۷۰	فصلی در معنای وار
۲۷۴	۱۷۱	فصلی در معنای منتقم
۲۷۵	۱۷۳	فصلی در معنای عفو
۲۷۶	۱۷۵	فصلی در معنای رووف
۲۷۷	۱۷۷	فصلی در معنای مالک الملک ذوالجلال والاکرام
۲۷۸	۱۷۸	فصلی در معنای مقسط جامع
۲۷۹	۱۸۰	فصلی در معنای غنی مغنی
۲۷۹	۱۸۲	فصلی در معنای مانع
۲۸۰	۱۸۳	فصلی در معنای ضار و نافع
۲۸۱	۱۸۵	فصلی در معنی نور
۲۸۲	۱۸۷	فصلی در معنای هادی
۲۸۳	۱۸۹	فصلی در معنای بدیع
۲۸۵	۱۹۲	فصلی در معنای باقی وارث
۲۸۶	۱۹۴	فصلی در معنای رشید
۲۸۷	۱۹۶	فصلی در معنای صبور

۲۹۱	تعلیقات
۳۲۳	فهارس
۳۲۵	فهرست منابع
۳۳۹	فهرست آیات
۳۴۵	فهرست احادیث
۳۴۷	فهرست اشعار
۳۴۹	فهرست اعلام

www.ketab.ir

پیشگفتار

در گستره تاریخ همواره افرادی بوده‌اند که با وجود همه مرارت‌ها دست‌اندرکار رونق‌بخشی به بساط دانش بوده‌اند، اما گاه بخت با آنان یار نبوده و مر و خورشید و فلک دست به دست هم داده‌اند که اثری و نامی از آنان باقی نماند و یا جز نام نماند و میراث‌شان به دست ما نرسد و همواره حکومت‌ها در این اتفاقات نقش جدی داشته‌اند.

اما گاه، ارزش و ارزشمندی اثری که از همه گذرگاه‌ها و حوادث تاریخ به سلامت گذشته به دست ما رسیده، نزد ما ناشناس و مغفول مانده و همچنان در گوشه و کنار کتابخانه‌ای، از نو احیا شدن را انتظار می‌کشد. از سوی دیگر، بر دانیاد و دانش‌آشنایان پوشیده نیست که احیای مخطوطات تاریخ علم را از نو مسو می‌بخشد و تقویم می‌کند و گرد و خاک ایام را از روی آن کنار می‌زند.

از همین رو بر آن شدیم تا عزم جزم احیاء و تحقیق اثری وزین و گرانسنگ ازین میراث پُرارزش و دیرینه، با موضوع شرح اسماء الهی نماییم. این اثر که به «التحجير في علم التذكير» نامبردار است، اثر خامه بزرگ‌مردی از دانشوران ایرانی، با نام استاد ابوالقاسم قسیر (۱۰۵۶هـ) است. وی از زمره مفسران، متفکران مسلمان و مؤلف «رساله قشیریه» — یکی از مشهورترین آثار عرفانی که بیش از هزار سال در میان دانشوران روایی تام داشته — است. وی در فروع فقه بر روش شافعیان بوده و به کلام اشعری سخت دلبستگی داشته است.

«التحجير» قشیری که بر پایه گرایش‌های فکری وی و منطق بر معیارهای اهل سنت نوشته شده، بارها توسط ناشران مختلف در کشورهای عرب‌زبان چاپ شده، اما از آنجا که و مشحون از اغلاط و

غير قابل اعتماد بود، باز به سراغ دست‌نویس‌ها (نسخ خطی) آن رفتیم و متن را تصحیحی از نو نمودیم. در میانه راه تصحیح کتاب حاضر، که به صورت کنونی‌اش، نام "تلخیص التحبیر" یا "مختار التحبیر" برای آن سزاوارتر می‌نماید، توفیقی دست داد تا التحبیر ابو القاسم قشیری، به یکباره و به صورت کلی، از نو تصحیح انتقادی شود. افزون بر این علاوه بر تصحیح کتاب، آن را به پارسی بازگرداندیم تا این کتاب در زادگاه مؤلف آن و مولد خودش، برای هم‌زبانان پارسی‌زبان نیز سودمند افتد. به درخش پیوست این اثر، سعی بر آن بود تا محتویات کتاب را از مضامین و موارد اصلی آن تخریج و بازبایی نمایم.

کتاب حاضر شامل مقدمه‌ای در شناخت قشیری و آثار وی، و ترجمه کتاب، اصل سن عربی کتاب و تعلیقات و فهارس آن است. مقدمه علاوه بر آنچه یاد شد، شامل بخشی درباره موضوع است که به جهت پرهیز از تطویل، این موارد از آن برداشته شد:

(۱) تلقی ادیان سده‌های (یهو - مسیحیت) نخست از اسماء الهی؛ (۲) نص قرآن، آغازگر اشارات درباره اسماء الهی؛ (۳) اسماء الهی در پرتو مآثورات پیشوایان و معصومان؛ (۴) نفی مسلمانان سده‌های نخستین از اسماء الهی (صحابه و تابعین)؛ (۵) مسلمانان در زمان به مبحث اسماء الهی در بررسی‌های خود پرداختند؟؛ (۶) دیدگاه منزله و شیعه درباره اسماء؛ (۷) دیدگاه اهل سنت و جماعت درباره اسماء؛ (۸) دیدگاه اشاعره درباره اسماء.

حجم گسترده‌ی آنچه ذیل این عناوین فراهم گردید، به عنوان مقدمه، چنان مطول بود که اصل متن را به حاشیه فرستاده بود، لذا در این مقدمه به اشاره‌ای گذرا اکتفا کردیم و بر آن شدیم که در کتاب جداگانه‌ای مفصلاً موضوع اسماء را مورد مذاقه قرار دهیم، باشد که مقبول طبع مردم صاحب نظر شود.

مقدمه

دربارهٔ مؤلف

روزگار قشیری و سده‌ای که در آن می‌زیسته

دوران کودکی و جوانی قشیری (۳۷۶-۴۶۵هـ) مصادف است با دوران حکومت سامانیان و غزنویان بر خراسان و نیشابور و به عبارت بهتر مصادف است دوران افول حکومت سامانی و زد و خوردهای تغییر حکومت از سامانیان به غزنویان.

با اینکه سامانیان در دوران حکومت خود روزگار سختی داشتند و با آشوب‌ها و شورش‌ها و درگیری‌های بسیاری اعم از کشمکش‌های تغییر قدرت از طاهریان به سامانیان، شورش‌های علویان طبرستان و نفوذ اسماعیلیان در خراسان و غلامان ترک و سروکار داشتند، با اینحال این دوران روزگار طلایی برای تاریخ خراسان بوده است.

مناسبات میان سامانیان و خلفای بغداد تا اندازه‌ای دولت بخارا ولو ظاهری پیوسته حسنه بود امیران سامانی هدایای گوناگونی برای خلفا می‌فرستادند و خلافت بغداد را از فعالیت‌های خود خبر می‌دادند و سکه‌هایی می‌زدند که هم نام امیر سامانی را داشت و هم نام خلیفه را از دیگر سو همه امرای سامانی در منابع امیر خوانده می‌شوند که در آن زمان چیزی شبیه به نائب السلطنه خلیفه بوده است.^(۱)

یکی از مشکلات عمده سامانیان غلامان ترک بودند در دربار سامانی

مدرسه‌ای برای تربیت غلامان درگاهی وجود داشته که نظام الملک در سیاست نامه به تفصیل در مورد این مدرسه سخن می‌گوید.

غلامان ترک که در ابتدا سمت درباری و محافظ داشته‌اند در سپاه سامانی به بالاترین قدرت دست یافتند و به سمت سپهسالاری، یعنی فرماندهی کل نیروهای نظامی رسیدند و در نیشابور مستقر بودند و بسیاری از این افراد، پس از درگذشت امیری از سامانیان، سر به شورش بر می‌آشتند.^(۱)

در سال ۳۵۰هـ نوح بن نصر بن احمد سامانی درگذشت و برادرش منصور بر تخت نشست سپهسالار برادرش الپتگین، از غلامان ترک، بر وی شورید او که طبعاً معزول در نیشابور بوده به سوی بخارا آمد و درگذر از جیحون متوجه سپاه بی‌سمار سامانیان شد خواست به نیشابور برگردد، ممکن نشد از همانجا به بلخ و سپس به غزنه رفت و در سال ۳۵۱هـ زمینه تاسیس سلسله غزنوی را در آن دیار فراهم کرد.^(۲)

یکی از معتمدترین حامیان الپتگین، «نعمش» سبکتگین بود که وی از ترکان کافر ماوراء النهر بوده و در جنگ‌های قبیله‌ای به اسارت درآمده و به الپتگین فروخته شده بود.

سبکتگین به تدریج نزد الپتگین موقعیت بالایی یافت و به منصب ریاست حاجبان او رسید و با دختر او نیز ازدواج کرد که ثمره آن فرزندش اسماعیل بود.

با مرگ الپتگین امارت وی به دو فرزندش و سپس به سبکتگین رسید.

۱- همان، ص ۱۲۵ و ۱۳۱ و جعفریان، از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان، ص ۷۵.

۲- جعفریان، از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان، ص ۷۳.

سبکتگین با نام جنگ با کفار و توسعه اسلام و به قصد کشورگشایی و کسب غنائم، جنگ با کفار را آغاز کرد و به دیار هند و سپس به بست و بعد از به قصدار حمله کرد و آنجا را به قلمرو خود افزود پس از آن به هند یورش برد و معابد و کنشست‌های آنان را خراب کرد و به جای آن مسجد بنیاد نهاد که این امر سبب شهرت خاندان غزنوی شد.

در این زمان که روزگار سامانیان رو به زوال بود و خاندان‌های محلی بر علیه آن متحد شده بودند نوح بن منصور برای خلاصی از این دشمنان دست به دامن سبکتگین شد با این دعوت راه غزنویان به خراسان باز شد. در جنگ خوینم به درگرفت، سپاه غزنوی توانست سپاه دشمن را قلع و قمع کند و پیرری سامانیان را به ارمغان آورد. نوح سامانی لقب ناصرالدین را به سبکتگین (سین الدوله) را به پسرش محمود داد.

در این روزگار سبکتگین در بلخ و فرزندش محمود در نیشابور امارت می‌کردند. سبکتگین در شعبان سال ۳۱۷ هـ. رگ‌اشت و بر سر جانشینی او میان فرزندش محمود و اسماعیل که حکومت غزنه را در دست داشت - جنگ درگرفت و محمود در این جنگ پیروز شد.

در حالیکه محمود بر بلخ و غزنه مسلط شده بود، خاندان از دست رفت و بکتوزون ترک سردار عبدالملک بن نوح بر آنجا چیره شد.

محمود راهی نیشابور شد و جنگی میان او و عبدالملک بن نوح و سردارش بکتوزون درگرفت و در آن امیر سامانی شکست خورد و به بخارا بازگشت.

تا این زمان غزنوی‌ها خود را به نوعی همراه با سامانیان می‌دیدند، اما جنگ مزبور آنها را رو در روی یکدیگر قرار داد و منجر به نابودی سامانیان شد.